

حکیم نسوی

(۲۹۲ - ۴۹۲ هجری قمری)

پنجم، آقای دکتر غلامحسین صدیقی
استاد دانشکده ادبیات

استاد مختص ابوالحسن علی بن احمد نسوی از دانشمندان و مؤلفان بزرگ قرن پنجم و از معاصران ابوریحان بیرونی و ابن سیناست. در مقدمه یکی از تألیفات او بنام بازنامه که تازه بدست ما رسیده، نام و کنیه و نسبت و نام پدر وی «ابوالحسن علی بن احمد النسوی»^۱ ضبط شده^۲ و در دره الاخبار و لمعة الانوار ترجمه سلخص تنمہ صوان الحکمه بخط ابوالحسن علی بن احمد النسوی، و در نسخه‌ای از کتاب روضة المنجمین شه مردان رازی^۳ هم بخط ابوالحسن علی بن ابراهیم النسوی، آمده است. وی در شهری بسال سیصد و هفتاد و یک یزد گردی (۳۹۳ هجری قمری) متولد شد^۴ و چون هشت سال از

۱ - نسوی منسوب به نسا است و نسا از شهرهای قدیم خراسان است که از سرخس دوروز و از مرو پنج روز و از ابیورد یکروز و از نیشابورش باهفت روز فاصله داشت. جماعتی از دانشمندان از آن شهر برخاسته‌اند و نسبت صحیح بآن نسائی است و نسوی نیز گفته میشود، بشاری مقدسی گوید که نسا شهری است بخراسان و شهری بفارس و شهری بکرمان و شهری بهمدان (رش: یا قوت معجم البلدان ج ۴ ص ۷۷۶-۷۷۸). آنچه یا قوت در وجه تسمیه این شهر از قول ابوسعید سمانی نقل کرده افسانه مینماید. مقبره شاهان اشکانی در این شهر قرار داشته و در اکتشافات اخیر آن شهر اسنادی سفالی بخط آرامی و زبان پارسی بدست آمده است (رش: مقاله آقای دکتر احسان یارشاطر، در مجله دانشکده ادبیات، سال پنجم، شماره ۱-۲ ص ۲۵).

در مورد ابوالحسن نسوی باید گفت که خاندان وی اصلاً از مردم نسا (نسای خراسان) بودند. چون زاد بوم خود او درری بوده است. آقای سید جلال‌الدین طهرانی در گاهنامه سال ۱۳۱۱ (ص ۱۴۷) نوشته‌اند: «نسوی از نساء شیراز است» ولی ماخذ این قول بر نگارنده معلوم نیست. ۲ - شه مردان رازی در روضة المنجمین و ابوالحسن بیهقی در تنمہ صوان الحکمه و شهرزوری در نزهة الارواح و خواجه طوسی در تحریر مأخوذات اوشمیدس و حاجی خلیفه در کشف الظنون (ستون ۱۴۵۵) همین صورت را حفظ کرده‌اند. حکیم ناصر در سفرنامه از او بصورت استاد علی نساوی نام برده است.

۳ - رش: دیو، فهرست نسخه‌های خطی فارسی مؤذۀ بریتانیا، ص ۸۷۰ و حواشی مولوی محمد شفیع بر تنمہ صوان الحکمه، ص ۲۰۰ - ۲۰۱. در نسخه‌های دیگر روضة المنجمین که بنظر نگارنده رسیده نام و نسبت وی بدرستی ضبط شده است.

۴ - در هیچ مأخذ جز در مقدمه بازنامه حکیم، تاریخ ولادت و زادگاه او بنظر نگارنده نرسیده است.

عمر وی بگذشت آرزوی اشکریه داری یعنی نگاهداری جانوران شکاری دروی پدید آمد، چنانکه مدت شصت سال بآن شغل دل بست و سپاهگیری و خدمت پادشاهان بدان سبب اختیار کرد.

نسوی ظاهراً بخش مهمی از عمر خویش را درری گذرانیده و شاهد حوادث و تحولات اوضاع سیاسی و اجتماعی آن سامان و ضعف آخرین امیران و رجال دولت بویهی و کشمکشهای آنان با غزنویان و غلبه ترکان سلجوقی^۴ بر آن دیار بوده و از همین رو ابوالحسن بیهقی او را از حکمای ری دانسته است. نسوی در اینجا با اشکریه دارانی که خدمت امیر فخرالدوله دیلمی کرده بودند و با دستگاه مجدالدوله و شمس الدوله و علاء الدوله کاکویه و امیرانی که بری آمدند چون محمود و مسعود و طغرل ارتباط حاصل کرد.

بیهقی قولی را که وی از شاگردان ابومعشر (جعفر بن محمد بن عمر) و کوشیار^۴ بوده است، با تردید نقل کرده و حق با اوست^۴ زیرا چنانکه پیش از این دیدیم تولد نسوی بقول خودش در سیصد و هفتاد و یک یزدگردی (۳۹۳ هجری) بود و در این صورت او نمیتوانست شاگرد ابومعشر متوفی بسال ۲۷۲ هجری و کوشیار متوفی در حدود سال ۴۰۰ هجری بوده باشد.

از آنچه حکیم ناصر در سفرنامه آورده است معلوم میشود که نسوی خود را از شاگردان ابوعلی سینا میدانسته است و بنا بر این محتملست که این استفاده هنگام سفر یا سفرهای شیخ رئیس با امیر علاء الدوله کاکویه بری ما بین سالهای ۴۱۴ - ۴۲۸ هجری بعمل آمده باشد، زیرا در سفر ابوعلی از گرگان بری در سال ۴۰۴ یا ۴۰ هجری نسوی طفلی دوازده ساله بوده است.

۱ - رش: مقدمه بازنامه، ص ۱.

۲ - نسوی در بازنامه از مجدالدوله (ابوطالب رستم بن فخرالدوله دیلمی و برادر او شمس الدوله (ابوطاهر شاه خسرو) و بر شمس الدوله (ظاهراً ابوالحسن ساء الدوله) و ابودلف پسر مجدالدوله و محمود غزنوی و مسعود و سلطان طغرل نام برده است.

۳ - کیا ابوالحسن کوشیار بن لبان بن باشهری کیلی مهندس و منجم مشهور از رجال نیمه دوم قرن چهارم هجری (رش: تقی زاده، گاه شماری ص ۲۲۶ - ۲۲۷؛ چهار مقاله نظامی سمرقندی، طبع دکتر محمد معین ص ۲۶۱-۲۷۶)

۴ - قول بروکلن (ذیل تاریخ ادبیات عرب ج ۱، ص ۳۹۷) و دیگران که کوشیار استاد ابوالحسن نسوی بوده ظاهراً خطاست.

در آخر نسخه یکی از مؤلفات حکیم نسوی بنام «التجريد فی اصول الهندسة» که در تاریخ ۵۵۷ هجری^۱ نوشته شده است «کاتب بدو واسطه شمه ای از سیرت او را نقل و از جمله خانه و کتابخانه او را وصف میکنند و میگویند که این حکیم با علم وافر نعمت و ثروت بیکران داشت و خانه او بیت الحکمه و مجمع ارباب علم و فضل و محل رفت و آمد اهل استفاده بود و هر کس بدیدار او می آمد تا پیش وی چیزی نمیخورد اجازة مراجعت نمی یافت. ابوالحسن نسائی [نسوی] خود روایت کرده است که شیخ ابوعلی ابن سینا بخانه من آمد و مدتی در آنجا مقیم بود و قسمتی از کتاب قانون خود را در خانه من تصنیف کرد. نوبتی دیگر شیخ ابوریحان بیرونی بخانه من وارد شد و او مردی کوتاه قامت و مستغرق در تعلم و تصنیف. و من تا کنون سردی باتقان او ندیده ام.»^۲ بقول ابو عبید جوزجانی ابوعلی سینا کتاب اول قانون را پیش از مرگ امیر شمس الدوله (۱۲۲ هجری) نوشته و کتابهای دیگر را بعد تألیف کرده است. در صورت صحت قول منسوب به نسوی که شیخ قسمتی از کتاب قانون را درری در خانه او تصنیف کرده چون ابوعلی در او آخر سال ۴۰۵ یا اوایل ۴۰۶ هجری بقره وین و همدان رفته و لا اقل تا ۴۱۴ هجری بازنگشته است نظر بصغر سن نسوی در ۴۰۵ هجری تألیف در خانه نسوی مربوط بکتاب اول قانون نمی تواند باشد.

در باره ورود ابوریحان بیرونی بخانه نسوی، ابوریحان بر طبق ماخذ موجود قبل از سال ۳۹۰ هجری قمری (یعنی پیش از تولد نسوی) سفری بری کرده و از آنجا بگرگان رفته و پیش از سال ۴۰۰ هجری خوارزم بدرگاه ماسونیان پیوسته و پس از فتح خوارزم بدست محمود غزنوی (۴۰۸ هجری) با سلطان بقره رهسپار شده و دیگر بری بازنگشته است بنابراین معلوم نیست که ملاقات ابوریحان و نسوی بتفصیل مذکور در چه تاریخ اتفاق افتاده است!

استاد نسوی یک چند در سخنان مقیم شد^۳ و بساط تدریس بگسترده و حکیم ناصر

۱ - با ۵۵۱ (؟)، رش: مقاله مرحوم اقبال آشتیانی به عنوان «چند صفحه از تاریخ ری» در مجله ایران امروز، سال چهارم شماره اول ص ۱۳ ستون ۲ س ۲ و جشن نامه ابن سینا مجلد دوم ص ۱۹۹ س ۷.

۲ - رش: جشن نامه ابن سینا، موضع مذکور و مجله ایران امروز، موضع مذکور. برای آگاهی از کیفیت مجموعه ای که نسخه منظور در آنست، رش: عبدالرحمن بدوی، ارسطو طاليس فی النفس ... مقدمه، ص ۳۶ - ۳۹.

۳ - نسوی در بازنامه (ص ۷۲) زیر یکی مردم آنجا را بشاهین داری ستوده است.

در ذی الحجه سال ۳۷۷ هجری نزدیک او رفت و بایکدیگر گفتگو کردند^۱. حکیم در ری نیز حلقه درس داشته و جمعی از مجلس درس وی کسب معرفت میگردند و او را استاد مختص می خواندند^۲.

از شاگردان معروف و مبرز او شهردان پسر ابوالخیر رازی^۳ است. وی دریکی از تألیفات خود بنام نزهت نامه علائی (در مقاله دهم) گوید: «در حدیث سن مشغوف بودم بر خواندن علوم ریاضیات، و کتاب اقلیدس و حل اعمال زیج و فصول فرغانی در هیئت افلاک بر استاد مختص علی نسوی همی خواندم، یکروز کاغذی چند بمن داد و گفت در خاطر و فهم تو سرعتی و حدتی می بینم که با دیگری نیست، در این تأمل کن که از بهر دانستن تاریخ سال و روز ولادت از طالع مولود دور ساله ساخته ایم یکی بر زحل و دیگری بر مشتری، از آنج این هر دو بطیء السیر اند لیکن از بهر رجعت و استقامت راست نمی آید. من در آن اندیشه کردم و دیگر روز گفتم مدت سال بقیاس از خداوند طالع بتوان دانستن بتفاوت یک دو روز و ماه بتقریب از تقویم شمس بدانند و اگر در سیر زحل و مشتری رجعت و استقامت است، در جوزهر نیست و دور

۱ - حکیم ناصر در سنر نامه (بصحیح محمد دبیرسیاقی صفحه ۳) گوید: «غره ذی الحجه سنه سبع وثلثین واربعمائه براه آبخوری و چاشت خواران بسمنان آمدم و آنجا مدتی مقام کردم و طلب اهل علم کردم، مردی نشان دادند که او را استاد علی نسایی میگفتند نزدیک وی شدم مردی جوان بود | نسوی در این زمان ۴۴ سال داشت [سخن بزبان فارسی همیگفت، بزبان اهل دیلم و موی گشوده و جمعی نزد وی حاضر. گروهی اقلیدس میخواندند و گروهی طب و گروهی حساب، در آننای سخن میگفت که من بر استاد ابو علی سینا رحمة الله علیه چنین خواندم و از وی چنین شنیدم. همانا غرض ری آن بود تا من بدانم که او شاگرد ابو علی سیناست. چون با ایشان در بحث شدم، او گفت: من چیزی از سیاق ندانم و هوس دارم که چیزی از حساب بعنوان عجب داشتم و بیرون آمدم و گفتم چون چیزی ندانم چه بد بگری آموزد؟»

۲ - رش: شهردان رازی روضة المنجین، مقالات هشتم و پانزدهم منقول در مقاله آقای کومبانیونی در مجله دانشکده ادبیات سال پنجم شماره ۲۰۱ ص ۱۹۱. خواجه طوسی، تحریر مأخوذات ارشمیدس (آغاز)؛ در مقدمه باز نامه القاب نفخیمی او بصورت «استاد جلیل سید مختص» ضبط شده که شاید در اصل «سید جلیل استاد مختص» بوده است، در تنه صوان الحکمه بصورت استاد حکیم مختص دیده میشود. کلمه مختص بمعنی اصطلاح جدید مختص است (رش: سید جلال الدین طهرانی، گاهنامه سال ۱۳۱۱ ص ۱۳۵).

۳ - رش: حواشی نگارنده بر قراضة طبیعیات ص ۵ ح ۲۲، ۲۳، ۲۴، ۲۵ ح ۵۷.

اواز آن مشتری سنگی تر و عمل آسانتر و [ظ. زائد] آنست که وسط سال و ماه و روز آن تاریخ که خواهند از دوازده برج وضع کنند، تقویم جوزهر باز [بادید- پدید؟] آید. همین عمل معکوس باید کردن و وسط از تقویم بدست باز آوردن و قوس بستن از جدول مجموعه و مبسوطه تا سال و ماه و روز پیدا آید. درین عجب ماند و گفت بدین آسانی نهاده بود، اما ندانستیم و بدو سطر راست همی آید این همه تطویل چیست. نسوی ده سال تمام پیش از شهر یورماه سال چهار صد و چهل و نه یزد گردید (۷۲ هجری) خانه نشینی اختیار کرد. بقول بیهقی در تتمه، عمر وی نزدیک به صد سال شد و قوای وی سالم بود ولی ضعف او را از راه روی در کوی و برزن باز میداشت و او در خانه خویش بماند.

حکیم نسوی چنانکه از تألیفاتش و از آنچه دیگران درباره وی نوشته اند برمی آید سیرت نیکو داشت و بعلم و هنر عشق سیورزید و مردی کریم و مهمان نواز و خوان گناده و عالم دوست و دانش گستر بود و بگفته یکی از شاگردانش که بابوالحسن بیهقی حکایت کرده می گفت: «مرد باهمت بلند و عزیمت راست بمطلوب تواند رسید، نه بارنج و تعب» وی طرفدار تخصص در علوم بود و بهر که برای استفاده بمحضرویی حاضر میشد می گفت: «بکوش تا در صناعت خویش کامل شوی و متذوق^۴ باش چه مندوق را سیری نیست»^۴.

حکیم ناصر که در سمنان با او ملاقات و مصاحبت کرده و شرحی تعریف آسیر درباره وی نوشته^۶ او را مردی کم مایه و خود ستای و متظاهر بشاگردی ابوعلی سینا

۱ - رش. که پایونی، حکیم ابوحاتم مظفر اسفزاری، مقاله در مجله دانشکده ادبیات سال ۵ ش ۱ - ۲ ص ۱۹۱ - ۱۹۲ و ۱۸۷ و ۱۸۹ - ۱۹۱.

۲ - رش: بازنامه ص ۲.

۳ - متذوق یا متفنن ظاهراً بمعنی کلمه فرانسوی «امانور» است.

۴ - برای نظیر این رای از علاء الدوله فرامرزی علی ملک یزد، رش: بیهقی، تتمه سوان الحکمه ص ۱۱۱.

۵ - با وجود این قول و با آنکه حکیم نسوی را اسناد مخنث خوانده اند، بنظر نمیرسد که او خود این دستور را بکار برده باشد.

۶ - رش: حاشیه شماره ۱ ص ۱۵.

نشان داده است ولی تکریم فضلالی دیگر^۱ نسبت بوی و لقب استاد مختص و کثرت تألیفات او در مباحث علمی و مطالعات کتب موجود وی ضعف حکم حکیم ناصر را نشان میدهد.

سال وفات نسوی را نمیدانیم ولی او از معمران بود و مسلم است که وی تا شهر یور ماه ۴۴۹ یزدگیری (۴۷۲ هجری) که تاریخ تألیف بازنامه است و ده سال تمام بود که خانه نشینی اختیار کرده بود حیات داشته^۲ و اگر قول بیهقی که گوید عمر وی نزدیک بصد سال رسید، درست باشد، وفات او در حدود سال ۴۹۳ هجری قمری بوده است و در اینصورت قریب بیست سال پس از تألیف بازنامه زنده مانده و نزدیک سی سال خانه نشینی کرده است و این عادة بعید سی نماید.

حکیم نسوی در فلسفه و علم فلک و هندسه و حساب و پزشکی و عمل آن^۳ و دارو شناسی و پزشکی جانوران^۴ زبردست و استاد بود و از اولین کسانی است که تعلیمات شیخ رئیس را در خراسان و عراق منتشر کرده اند.

تألیفات نسوی

۱- الزیج الفاخر^۵ این کتاب ظاهر آبروی بوده و اثری از آن پدید نیست. ابوالحسن بیهقی در مقدمه جوامع احکام النجوم که آنرا از دو بیست و پنججاه و هفت کتاب جمع کرده گوید: «... و زیج شهر یاران هم بصواب نزدیک است و ادوار پارس معتمد بر این ادوار است و آن در زیج شهر یاران است و زیج بتاز بیست [ظہتانی است] و این اصل و مدار است و از آنجا هر یک زیج ساخته اند، چون عیوقی و خاطری و کوشیار و علی نسوی [و] خوارزمی و عدلی و غیر ایشان و اصل زیج بتانی است. ۷» و در حدیقة الحقیقه سنائی^۸ آمده است:

- ۱ - مانند شهردان رازی و ابوالحسن بیهقی و خواجة طوسی .
- ۲ - بنابراین آنچه سوتر و دیگران درباره سال تقریبی مرگ او نوشته اند و سال وفات او را بیشتر از این دانسته اند باطل است .
- ۳ - رش : بازنامه ص ۲۸ و ۲۹ .
- ۴ - رش : بازنامه ص ۲۸ .
- ۵ - رش : بیهقی ، تنمۃ صوان الحکمه ص ۱۰۹ .
- ۶ - حاجی خلیفه ، کشف الظنون ، ستون ۶۱۰ .
- ۷ - نقل از مجله مهر ، سال دوم ش ۴ ص ۳۳۸ .
- ۸ - جمع و تصحیح مدرس رضوی ص ۶۹۸ .

زیج یحیی و فاخر و مأمون ارتفاع طوابع و چه و چون

۲- المقنع فی الحساب الهندی .

نسوی این کتاب را در شرح و بیان روش حساب هندو بزرگان فارسی تألیف کرد و سپس آنرا به عربی گردانید . نقل عربی آن موجود است ، حساب وی تقسیم کسور و استخراج جذر و کعب را تقریباً بطریق جدید بیان میکند .^۴

۳- کتاب مرتضوی یا اختصار کتاب صور الکواکب ابوالحسین عبدالرحمن

ابن عمر صوفی رازی (۲۹۱-۳۷۶ هجری) .

مؤلف آنرا بنقیب علویان ری ذوالفخر بن ابوطاهر مطهر بن علی (متوفی بسال ۴۳۶ هجری) که مانند غالب نقبای علوی مرتضی لقب داشته اهداء کرده و بهمین سبب آنرا مرتضوی نام نهاده است .^۴

شهمردان رازی در روضه المنجمین (مقالات پانزدهم، در صورت کواکب) گوید : وخواجه ابوالحسین عبدالرحمن بن عمر الصوفی . . . کتابی کرده است بغایت نیکو ، در صورت ستارگان شناختن و طول و عرض و جهت و جایگاه و قدر و عظم دانستن و استاد مختص علی بن احمد النسوی ادام الله نعمته آنرا اختصاری کرده است از حد بیرون از بهر سید اجل مرتضی رضوان الله علیه کی او یگانه روزگار بود و مرتضوی نام نهاده^۴

۴- کتاب التجرید فی اصول الهندسة .

این کتاب مشتمل بر شش مقاله است و نسخه‌ای از آن در مجموعه ای نفس

۱- رش: نسخه لندن برقم ۱۰۲۱؛ ویکه ، یادداشت در انتشار ارقام هندی (یعنی حساب هند) بزبان فرانسوی در ژورنال ازبایتیک ، سال ۱۸۶۳ ص ۴۸۹-۵۰۰؛ کانتور ، تاریخ ریاضیات ج ۱ ص ۵۵۳-۵۵۷ (چاپ دوم ۷۱۶-۷۲۱)؛ بروکلن ، ذیل تاریخ ادبیات عرب ص ۳۹۹؛ سوتر ، «در کتاب حساب علی بن احمد نسوی» (بآلمانی) - (Bibliotheca Ma) (1906, vol. 7, 113-119, thematica)؛ سوتر: دائرة المعارف اسلام، ماده «ارثماتیقی»؛ سوتر ، ریاضی دانان و منجمان عرب (بآلمانی) ص ۹۶ (قول عالم مذکور در دو کتاب اشیر از باره زمان حیات نسوی ناقص است)؛ جرج ساترن، مقدمه بر تاریخ علوم (بانگلیسی) ج ۱ ص ۷۱۹؛ عبدالرحمن بدوی ، اسطو طالبس فی النفس ، مقدمه ص ۳۸ ، دکتر صفا تاریخ ادبیات ایران ج ۱ ص ۲۸۶؛ کبیانیونی، مقاله مذکور ص ۱۹۱ .

۲- رش: جرج ساترن ، مقدمه بر تاریخ علوم ج ۱ ص ۶۹۶ و ۷۱۹

۳- رش: عباس اقبال ، چند صفحه از تاریخ ری ، در مجله ایران امروز سال ۴ شماره ۱

ص ۱۲-۱۳؛ ریو ، فهرست نسخه های خطی فارسی موزه بریتانیا ج ۲ ص ۸۷۰

۴- رش: طهرانی ، گاهنامه سال ۱۳۱۱: ص ۱۳۶؛ آلبرت ناپلئون کبیانیونی، مقاله

مذکور ص ۱۹۰-۱۹۱

که در سال ۵۵۸ هجری در بغداد نوشته شده ، حاوی ۲۸ رساله و کتاب برقم ۸۷۱ در کتابخانه ظاهریه دمشق محفوظ است . کتاب مذکور نوزدهمین تألیف از محتویات مجموعه است در ۱۴ صفحه با رسمها و نسخه‌های دیگر از آن در رامپور موجود است^۴ .

۵- رساله فی المدخل الی علم المنطق

نسخه‌ای از این رساله در مجموعه مذکور در هشت صفحه موجود است^۴ و آن بیست و چهارمین تألیف از محتویات آن مجموعه است .

۶- «مقالة فی عمل دائرة نسبتها الی دائرة مفروضة کنسبة مفروضة و كذلك عمل جميع الاشکال المستقيمة الخطوط و وجه استعمال الصناع تلك الاشکال»^۴

۷- تفسیر کتاب المأخوذات^۵ فی اصول الهندسة

اصل کتاب در ده شکل (قضیه) از ارشمیدس (ارخمیدس ۲۸۷-۲۱۲ ق م) مشهورترین عالم ریاضی و طبیعی دان و مهندس عهد قدیم و از رجال ارجمند عالم علم است . ثابت بن قره (۲۱۹-۲۸۸ هجری) آنرا عبری ترجمه کرده بود و آن در تحصیل ریاضیات از کتب متوسطات محسوب و بین کتاب اصول هندسه اقلیدس و بیجسطی بطلمیوس خوانده میشد ولی چون یکی از اشکال (قضایا) آن حاجت باشکال دیگر داشت و ارشمیدس آنها را در سایر مصنفات خود ذکر کرده بود و در شکل پنجم برهانی بطریق اخص آورده بود ؛ و یکن بن رستم کوهی طبری (زنده در ۳۷۸ هجری) مقاله‌ای کرد و برهان آن شکل را بطریق اعم بیاورد و آنرا «تزیین کتاب ارشمیدس فی المأخوذات» نامید^۶ . نسوی برای مواضع پیچیده آن

۱- رش : عبدالرحمن بدوی ، موضع مذکور ؛ اقبال ، موضع مذکور ؛ جشن نامه ابن سینا ، موضع مذکور .

۲- رش : فهرست کتب عربی کتابخانه رامپور ، ج ۱ ص ۱۷۴ ؛ بیهقی تمته صوان الحکمه ص ۱۰۹ (طبع لاهور) حاشیه صحیح .

۳- رش : اقبال ، موضع مذکور ص ۱۳ ؛ جشن نامه ابن سینا جلد ۲ ص ۱۹۹ (تاریخ مربوط بکتابت دو نسخه منظور در دو نوشته مرحوم اقبال مختلف است و سال ۵۵۸ مذکور در مقدمه بدوی (ص ۳۶) ظاهراً مربوط بسال تحریر بیست و هشتمین یعنی آخرین تألیف مجموعه است) ؛ بدوی کتاب مذکور ص ۳۹ .

۴- رش : محقق طوسی ، تحریر کتاب مأخوذات ارشمیدس (در جزء دوم رسائل طوسی ، تألیف ۱۰ ص ۱۰) .

۵- Lemmes

۶- رش : خواجه طوسی ، تحریر مأخوذات ارشمیدس (آغاز) ؛ حاجی خلیفه ، کشف الظنون بقوه پاورقی در صحنه بعد

کتاب شرحی نوشت و از اشکال ابوسهل دو شکل را که در بیان شکل پنجم بدانها حاجت بود حفظ کرد و باقی را که بذکر آنها حاجتی نبود برای پرهیز از تطویل بینداخت و خواجه نصیرالدین طوسی آن ترجمه و تفسیر را تهذیب و تحریر کرد. اصل تفسیر نسوی در دست نیست ولی از تحریر محقق طوسی که بچاپ رسیده ۱ نسخه‌ای در برلین و نسخه‌ای در فلورانس و نسخه‌ای در بادلیان و نسخه‌ای در قاهره ۲ و نسخه‌ای در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران ۳ و نسخه‌ای در کتابخانه مجلس شورای اسلامی ۴ محفوظ است.

۸ - کتاب الاشباع در شرح قضیه منلاوس . منلاوس عالم ریاضی و منجم و طبیعی دان یونانی اسکندرانی اواخر قرن اول میلادی (بعد از ۹۸ م در گذشته) است . از جمله تألیفات وی سه مقاله (یا کتاب) در باب اشکال کروی بود، که اکنون ترجمه عربی و عبری و لاتینی آنها موجود است . مقالات مذکور در واقع مربوط بمثلثات کروی و در تعریف و بیان خصائص آنهاست . حکیم نسوی در کتاب خود شکل یا قضیه اول مقاله سوم را که قضیه منلاوس یا قضیه خطوط عرضی یا قضیه مربع کامل خوانند و بمثلثات کروی و مسطح ارتباط دارد شرح کرده ۵ و از شرح او نسخه‌ای خطی در لیدن برقم ۱۰۶۰ محفوظ است ۶ و ویدمن ۷ مقدمه آنرا بالمانی در آورده و نشر داده است .

بقیه باورقی صفحه قبل :

جلد ۲ ستون ۱۴۵۵ و ۱۵۷۴ . ابن الندیم (الفهرست چاپ فلوگل ص ۲۸۴) عنوان تصنیف ابوسهل کوهی را « کتاب الزیادات علی ارشیدس فی المقالة الثانية » ضبط کرده است ، نگارنده احتمال میدهد که کلمه « تزین » در تحریر مأخوذات محرف « تزید » باشد .

۱ - رش : خواجه طوسی ، الجزء الثاني من الرسائل (طبع حیدرآباد دکن سال ۱۳۵۹ هجری) کتاب سوم ص ۲ .

۲ - رش : بروکلین ، تاریخ ادبیات عرب جلد ۱ ، ص ۵۱۱ و ذیل آن جلد ۱ ص ۳۹۰ ؛ بدوی کتاب مذکور ، ص ۳۸ .

۳ - رش : دانش پژوه ، فهرست کتابخانه دانشگاه طهران ج ۳ ص ۳۵۵ .

۴ - رش : یوسف اعتصامی ، فهرست کتابخانه مجلس شورای اسلامی ، ص ۱۱۵ .

۵ - رش ، ابن الندیم ، الفهرست (چاپ فلوگل) ص ۲۶۷ ، جرج سارتن ، کتاب مذکور

ج ۱ ص ۲۵۳ - ۲۵۴ .

۶ - رش : بروکلین : ذیل تاریخ ادبیات عرب ج ۱ ص ۳۹۰ .

۷ - Eilh . wiedemann, Sitz. - ber. d' Erlangen , 1926 . : الدومیلی ،

علم عرب ص ۱۱۲ ؛ برای اطلاع از تألیف منلاوس و تحریر آن رش : جرج سارتن : کتاب مذکور ج ۱ ص ۲۵۳ - ۲۵۴ و آخرین بخش از جزء دوم رسائل خواجه طوسی بنام «تحریر کتاب مانالاوس فی الاشکال الکرية» .

۹- رساله در استخراج ضمیر.

ابوالحسن بیهقی در کتاب جوامع احکام النجوم در فصل دانستن نیکی و بدی و رواگشتن حاجت گوید^۱ : «استاد ابوالحسن نسوی رساله‌ای ساخته است در استخراج ضمیر بغایت اختصار و آنچه بکار آید بجای آوردن ضمیر را اندر و نهاده، پس فصل دوازدهم آنچه گفته است بعینه اندرین کتاب نوشته و آن اینست . . . سپس آن دو فصل را نقل کرده و از آغاز هر دو فصل معلوم میشود که نسوی رساله مذکور را برای بزرگی تألیف کرده بوده است^۲ .

۱۰- سلاح نامه علانی .

نسوی در باز نامه گوید : « . . . و همه ریمهای جانوران را سود دارد [یعنی مرهم درد معروف بمسماز] و این دیلمان بهر کس نیاموزند و من بسیار رنج بردم تا از سپهبد شرون [ظ. شروین] بدست آوردم آنگاه با شیرزاد بن شیرزاد پدر پسری بگرفتم تا او مرا این نسخه داد و هر دو با هم مقابله کردیم و اندر کتاب سلاح نامه علانی که از بهر خزانه علاءالدوله ساختم این نسخه آنجا یاد کردم و اکنون [اندر] این کتاب هر دو نسخه بیان کردم چه دانستم که از آن خزانه بمستحق ندهند و هر جراحی را که این مرهم نهند ایمن باشد از ناسورو دیگر بلاها . . . عنوان سلاح نامه تا حدی ما را از مطالب آن کتاب آگاه میکند . غرض از علاءالدوله ، ابو جعفر محمد بن دشمنزبار کاکوید امیر اصفهان است که مردی با تدبیر و فرهنگ دوست بود و در ترویج زبان فارسی و تألیف کتب بآن زبان بیکوشید و شیخ رئیس ابوعلی سینا بفرمان وی بتصنیف کتاب دانش‌رگ و دانشنامه علانی پرداخته و ترجمه و شرح قصه‌حی بن یقظان نیز باسراو انجام گرفته است .^۳

۱- نسخه خطی جدید ناقص نگارنده .

۲- در آغاز اولین فصل گوید : « دانسته بادخواجه را که . . . و دومین فصل چنین آغاز میشود : « در وقت رواگشتن حاجت دانسته بادخواجه را که چون دانسته باشی که حاجت روا می گردد بیاید دانستن که . . . »

۳- نسوی گذشته از تألیفات مذکور دو رساله نیز در طالع کرده بود که بقول شهردان بوی نشان داد و شاید بمد آنرا باطل کرده باشد و نسخه‌هایی نیز در درمان بیماری جانوران بطالبان میداده است (وش : بازنامه س ۶۳) . حاجی خلیفه در کشف الظنون (چاپ جدید ترکیه ج ۲ سنون ۱۹۳۱) فقره‌ای از نسوی در تقسیمات علم نجوم ذکر کرده که ممکن است از کتاب اختصار سرورالکواکب او باشد .

۱۱- بازنامه.

تاچندی پیش از وجود این کتاب آگاهی نداشتیم، دانشمند محترم آقای دکتر صادق کیا استاد دانشگاه تهران نسخه‌ای از آن را در ضمن مجموعه‌ای در کتابخانه ملی ملک یافتند و نگارنده باراهنمائی آن دوست ارجمند با استفاده از آن توفیق یافت. نسخه مذکور به چند رساله و کتاب دیگر در مجموعه ایست که در حدود هفتصد و اندی کتابت شده و بازنامه نود و دو صفحه از آن مجموعه را گرفته است و چنانکه صریحاً در آغاز آن نوشته شده این کتاب بازنامه نام دارد.

بازنامه‌ها :

تعبیر «بازنامه» که مراد از کلمات شکارنامه و اشکرنامه (شکره نامه) و صیدنامه و جوارح نامه و کتاب جانور ناری و کتاب باز یاری و کتاب باز داری و کتاب شکره داری بکاررفته، در زبان فارسی از دیرباز برای کتبی که در اشکره داری و وصف انزاع و احوال جانوران شکاری و شرح نگاهداری و پرورش و طریق شکار و شناخت بیماری و درمان کردن آنها نوشته می‌شد، اصطلاح شده بود و چنانکه از مواضع مختلف کتاب منظور برمیآید کتبی از این نوع در نقاط مختلف ایران بفرسی تألیف کرده بودند و نیز کتبی در این فن از زبانهای روسی (- یونانی شرقی) و هندی و ترکی بفرسی و عربی درآمده بود. در صفحه ۲ از نسخه مذکور نسوی گوید: «و کتابها که اندرین علم ساخته اند چون شکارنامه سامانی و سغدی و هندی و روسی و پارسی بدست آوردیم و خواندم» و در صفحه ۱۰ گوید: «اندر بازنامه رومیان خوانده بودیم» و در صفحه ۱۲ گوید: «و این در بازنامه‌های عراقیان و خراسانیان است و آنچه در بازنامه ترکانست...» و در صفحه ۲۹ گوید: «اکنون بسرعلامات گوناگون بیماری بازشویم و درمانها پیدا کنیم، آنچه خوانده ایم و آزموده ایم از بازنامه رومیان و هندیان و سغدیان و سامانیان» و در صفحه ۳۲ گوید: «و آنگاه آن بیماریها را از علل جهائی که از بازنامه ترکان و هندیان و رومیان و سغدیان خوانده ایم و اندکی از آن آزموده پیدا کنیم» و در صفحه ۴۳ گوید: «درمانی دیگر کرجه (؟) را از بازنامه پرویز ملک پارسیان...» و در صفحه ۶۴ گوید: «درمان این از بازنامه

۱ - اشکره (- شکره) جمع: اشکرگان - شکرگان، به معنی مرغان شکاری است. رش صیدالمراد فی قوانین الصیاد، مقدمه فاشر ص ۶۷ و متن صفحه ۹ شکره داری معادل کلمه معرب «بیزره» است.

سامانیان و سغدیان ، و در صفحه ۷۷ گوید: و اما در بازنامه سامانیان از طغرل سخن بسیار می‌رود و از آن کتاب چنان معلوم می‌شود که در ماوراء النهر سامانیان را طغرل بوده است لیکن حقیقتی نیست این کار را ...

وجود این نوع کتب در ایران قبل از اسلام و بعد از آن و دلبستگی وافر شاهان و امیران و رجال بیازداری و تالیف بازنامه‌ها از منابع دیگر نیز تأیید می‌شود .

در کتاب صید المراد فی قوانین الصیاد تألیف خدایار خان داود عباسی (معاصر طغان تیمور خان پادشاه خراسان که بین ۷۳۷ و ۷۵۳ هجری سلطنت کرده) پس از آنکه در آن فن، اول کتاب بجمشید داستانی منسوب شده آمده است: «... تا در زمان پادشاهی نوشیروان عادل... روزی جمعی از میرشکاران در پیش تخت او بحث جانور می‌کردند از کتاب جالینوس و بقراط آنچه ایشانرا معلوم بود پس نوشیروان بزرجمهر حکیم را طلب فرمود و گفت چنان خواهم که کس باطراف عالم فرستی و کتب و رسائلی که در این باب ساخته باشند جمع گردانی و بزبان پهلوی ترجمه کنی و آنچه خواجه را از روی حکمت معلوم شده باشد و استادان روزگار ما دانند اخافت کنی تا بر روی روزگار یادگاری بماند بموجب فرموده خواجه بزرجمهر آنچه دانست و از استادان معلوم نمود و اصل نسخ از آن خالی بود جمع کرد و آن کتاب را بازنامه نوشیروانی نام نهاد و مدتها بران کار فرمودند [و] دستوری شد بر روی روزگار بعد از آن شهنشاه ابوالفوارس عبدالملک بن نوح [۳۴۳ - ۳۵۰ هجری] که پادشاه خراسان بود هوس این علم بهم رسانید چنانکه از ملوک سابق در گذشت و خواست که بازنامه نوشیروان [ظ. نوشیروانی] را از زبان پهلوی بزبان فارسی ترجمه کند وزیر خود را گفت [در اصل : حکم کرد] چنان خواهم که بازنامه نوشیروانی را حاضر کنی و بفرمائی تا از زبان پهلوی بفارسی ترجمه کنند و استاد روزگار ابوالبختری^۱ بزبان فارسی کرد و جوارح نامه شهنشاهی

۱ - امیر رشید عبدالملک متوالیاد وزیر اختیار کرد: یکی ابو منصور محمد بن عزیز و دیگر ابوعلی محمد بن محمد بن عبیدالله بلعی (متوفی سال ۳۶۳ هجری) ابوعلی بوزارت ابو صالح منصور بن نوح نیز رسید و دوست که بفرمان منصور کتاب تاریخ طبری را در سال ۳۵۲ هجری با تصرفاتی از عربی بفارسی گردانیده و کتاب بزرگ تفسیر نیز در زمان ابوفارسی در آمده است و احتمال دارد که مقصود از وزیر مذکور در متن هو باشد .

۲ - چنین است در جمیع مواضع کتاب که نام او مذکور است، شاید (ابوالبختری) صواب باشد.

نام نهادا و بعد از خلف شاه^۴ که پادشاه سیستان بود در این باب استادی بود کامل و این علم را نیکو دانست بیخار از حضرت شهینشاه^۴ آمد [و] التماس نمود تا جوارح نامه شاهنشاهی را پیش او آوردند مطالعه نمود و پسندیده داشت و یکباب در شناخت بحری^۴ بهم رسانید و اضافت کرد و منظور شد... چون زمان شاهی و جهاننداری بساطان ملکشاه رسید هوس جانور داری در خاطر او پیدا شد. و تمامی اسرایان و آقایان و شاهزادگان و وزیران از جانور دار بود [ند] [و] پیوسته در مجلس او بازنامه نوشیروانی و جوارح نامه ابو-البحتری خواندندی و میرشکاران و جانورداران بحثها کردند پس سلطان خواست که کتابی تصنیف نمایند در این علم و بنام او موسوم گردانند. خواجه نظام الملک را فرمود که رسولان باطراف و اکناف عالم فرستی و کتب و رسالاتی که در علم جانورداری پرورنده و درنده ساخته باشند جمع کنی... و هوم در کتاب عیدالمراد فی قوانین الصیاد از بازنامه جاماسب و بقراط و رساله جالینوس و بزرجمهر و جوارحنامه ابوالبحتری و دهقان ماهگین و رساله ابوالفوارس و فیاورزی^۵ و شکره نامه ابوالفرج باز دار و دهقان شکینی و صید نامه ابوزکریا و دهقان بخاری^۶ نام برده شده است.^۷

اصطلاح عام الیهیزره و علم الیهیزره و اسامی حیوانات شکاری و الفاظ و اصطلاحات فن بازداری در زبان عربی (مانند بازی و شاهین و باشق و زسامجه و بط و شاه سرخ (- شامرک) و طیهوج و باز یاره و دست خیز و باز داریه و باز یار بدو کوهیه...) نمودار

- ۱ - در صورت صحت این روایت این کتاب یکی از قدیمترین متون فارسی دری بوده است.
- ۲ - امیر ابوالاحمد ولی الدوله خلف بن احمد بن محمد صفاری پس از کشته شدن پدر از ۳۵۲ هجری تا ماه صفر ۳۹۳ امارت کرد و بسال ۳۹۹ هجری در زندان موجود غزنوی در قلمه گردیز برود، رش: مقدمه نکاوته بر قراضه طبییات ص ۲۱-۲۲ و ۶۰.
- ۳ - مقصود از «شهنشاه» معلوم نیست کدامیک از امیران سامانی است. خلف بن احمد چنانکه دیدیم از ۳۵۲ تا ماه صفر ۳۹۳ امارت کرده و در این مدت ابوالحاج منصور بن نوح (۳۵۰ - ۳۶۶ هجری) و ابوالقاسم نوح بن منصور (۳۶۶-۳۸۷) و ابوالعزت منصور بن نوح (۳۸۷-۳۸۹) امیر خراسان بوده اند.

۴ - رش: صیدالمراد فی قوانین الصیاد، مقدمه ناشر ص IV ح XII ح.

۵ - صیدالمراد، مقدمه ص ۲ بیحد.

- ۶ - ممکن است که مقصود از «ابوالفوارس و فیاورزی» خواجه عمید «ابوالفوارس فناروزی» معاصر امیر حمید ابو محمد نوح بن نصر سامانی (۳۳۱-۳۴۱ هجری) باشد که در سال ۳۳۹ سنه بادنامه را از بلوی بزبان فارسی در آورد، رش: سنه بادنامه، تألیف محمد ظهیری - سرزندی با اهتمام و تصحیح و طبع احمد آتش) ص ۷۰۲-۷۰۳ و جامع به شکره نامه ماهان مه بزبان ظهیری، رش: روزنامه منسوب به پیام ص ۷۵-۵۸.
- ۸ - برای معنی دیگر لفظ باز یار که برزیکر باشد، رش: المضاف الی بدایح الازمان

تأثیر بازداری ایران در بازداری عربستان^۱.

بازداری اختراع قوم خاصی نیست بلکه اقوام مختلف این شغل و فن را ورزیده‌اند.^۲ ولی پیشک یکی از اولین اقوامی که بترتیب و تنظیم امور شکار و تدابیر فنی آن و تألیف در آن باب پرداخته‌اند ایرانیان‌اند.^۳ ایرانیان گذشته از اینکه باعشق و علاقه در انواع شکار و طریقه های مختلف صید نخچیران بازی و ورزش و تفریح و تحصیل معاش میپرداختند بادقت در احوال و اطوار حیوانات اطلاعات و نکات مفید از حیوان شناسی و جانور پزشکی و دارو شناسی حاصل میکردند^۴ که نمونه های متعدد آن در بازنامه نسوی مشهود است .

بازنامه نسوی نه تنها ما را با اهمیت بازداری در ایران قدیم و اسلامی و رسوم و عادات شهر های آن و اعتقادات مردم و تألیفات بسیار قدیم ایرانی و فارسی در این فن آگاه میکند، بلکه اطلاعاتی نیز از رواج کتب این فن در میان یونانیان و رومیان^۵ و هندیان و عرب و ترکان (ذکری از کتب چینی نیست) میدهد که در جای خود از حیث تاریخ بازاری و تاریخ ورزش و تاریخ علوم بنحو عام در کشورهای شرقی معتنم و پرارزش است .

دلچسپگی وافر مؤلف بازاری و ذوق زیبا شناسی (رش : ص ۴) و آشنائی وسیع او با صنایع فن اشکوه داری و ارتباط او با اهل آن فن (رش : ص ۵) و وقوف

۱- رش : اسامه بن منقذ : کتاب الاعتبار ، باب سوم ، اخبار الصید صفة ۱۹۱-۲۲۶ .

۲ - رش : جرج سارتن ، کتاب مذکور . ج ۲ ص ۵۸ (اشاره به فنهای دیواری سلسه مجده از فرات مصر) . هارتینگ Harting در «مقالات راجع به ورزش و تاریخ طبیعی» گوید که بازداری در چین دوهزار سال پیش از میلاد مسیح راجع بود. (نقل از مقدمه انگلیسی ناشر کتاب)

۳ - در داستانهای ملی ایران طهمورت مؤسس بازاری یعنی قواعد و ترتیب باز شناخته شده است ، رش : شاهنامه فردوسی : در پادشاهی طهمورت ؛ تالیف ، در سلطنت طهمورت ؛ مجلد

النواربغ والقصص (ص ۳۹) ؛ طبقات ناصری منهاج سراج (طبع عبدالعی بیبی) ص ۱۶۴ .

۴ - نسوی در مقدمه باز نامه گوید : «و اندر شکار کردن هم نزهت است و هم مروت و دیگر هنرها

۵ - غرض از رومیان در تألیفات مسلمان قدیم گاهی یونانیان (هلنیا) است و گاه مردم

بوژنتیون (= بوژنتیوم = بیزانس) - رومیان مردم ایتالیا رومیه و سرزمین بوژنتیون «دوم» خوانده

میشد ، دومتن ما مقصود از رومیان مردم بوژنتیون است .

۶ - در صفة ۸۱ باز نامه آمده است : «من با قوم بوژدار صحبت بسیار داشته‌ام و خود

نیز بوژ بسیار داشته‌ام»

دره الاخبار (ترجمه فارسی تتمه) (چاپ تهران ۱۳۱۸ش) ص ۶۹ .
شمس‌الدین محمد شهرزوری ، نزهة الارواح و روضة الافراح (نسخه خطی) .
ضیاء‌الدین دری ، کنز الحکمة (ترجمه فارسی نزهة الارواح) (چاپ تهران ۱۳۱۶)
ص ۷۱-۷۲ .

خواجه طوسی ، مواضع مذکور در حواشی مقاله .

عمر خیام ، نوروز نامه (چاپ تهران ۱۳۱۲ ش) ص ۵۶-۵۹ .
خدایار خان داود عباسی ، صید المراد فی قوانین الصیاد (طبع کلمکتبه ۱۹۰۸ م) .
حاجی خلیفه ، کشف الظنون ، مواضع مذکور در حواشی مقاله .
سید حسن تقی زاده ، گاه شماری در ایران قدیم ص ۲۳ و بعد .

اقبال آشیانی ، مواضع مذکور در حواشی .

سید جلال‌الدین طهرانی ، گاهنامه سال ۱۳۱۱ هجری شمسی ص ۱۲۶ و ۱۲۹ و

۱۸۵ و ۱۴۷ .

یوسف اعتصامی ، مواضع مذکور در حواشی .

غلامحسین مصاحب ، جبر و مقابله خیام بانضمام تاریخ علوم ریاضی (تهران

۱۳۱۷) ص ۱۴۷ .

عبدالرحمن بدوی ، مواضع مذکور در حواشی .

دکتر ذبیح‌الله صفا ، تاریخ علوم عقلی در تمدن اسلامی (تهران ۱۳۳۱) ج ۱ ص ۳۴۹

دکتر ذبیح‌الله صفا ، تاریخ ادبیات در ایران (تهران ۱۳۳۲) ج ۱ ص ۲۸۶ .

آنبرت ناپلئون کمپانیونی ، حکیم ابوحاتم مظفر اسفزاری ، در مجله دانشکده

ادبیات سال ۵ شماره ۱-۲ ص ۱۸۷ و ۱۸۹-۱۹۳ .

ابوالفتح محمود بن حسین معروف به کشاجم ، کتاب المطارد و المصاید (طبع

دکتر محمد اسعد طلس - قاهره ۱۹۵۴ م) .

ابو عبدالله حسن بازاری ، البیذرة (طبع محمد کرد علی - دمشق ۱۹۵۳ م) .

هانری رنه دالمانی : سفرنامه از خراسان تا بختیاری (ترجمه فارسی) ص ۱۰۷۹-

۱۰۸۰

«حسام‌الدوله تیمور میرزا ، بازنامه ناصری (تهران ۱۳۸۵ ق) .

Woepcke (F.) Mémoire sur la propagation des chiffres indiens (Journal asiatique I, 1853, P.489 - 500, Un traité de calcul indien).

ریو، فهرست نسخه های خطی فارسی موزة بریتانیا ج ۲ ص ۸۷۰.

Suter (Heinrich) Die Mathematiker und Astronomen der Araber und ihre werke. Leipzig, 1900.

و مواضع دیگر مذکور در حواشی.

بروکلن، ذیل تاریخ ادبیات عرب ص ۳۹۰.

Sartou (George), Introduction to the History of Science, vol I. P. 719.

و مواضع دیگر مذکور در حواشی.

و فهرست ج ۲ ذیل عنوان Falconry.

Mieli (Aldo) La science arabe et son rôle dans l'évolution scientifique mondiale, Leiden, 1939, P.109-110 et 112.

دائرة المعارف بریتانیا، ذیل ماده Falconry.

لغت نامه لاروس جدید، ذیل ماده Fauconnerie و Chasse.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی